

حزایر سه گانه از منظر تاریخی و حقوق بین الملل

روح الله خورشیدی
با مقدمه دکتر مسعود مطلبی



نیرزادی هارس
FARS NEWS AGENCY

معاونت پژوهش و آموزش
اداره کل پژوهش

سرشناسه	: پورطالب، روحالله، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: جزایر سه گانه از منظر تاریخی و حقوق بین الملل / روح الله پورطالب، با مقدمه مسعود مطلبی، [برای] خبرگزاری فارس، معاونت پژوهش و آموزش.
مشخصات نشر	: تهران: خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۹۹ ص: مصور.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۷۶-۰۵-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: نمایه
موضوع	: حاکمیت -- دعاوی
موضوع	: تنب بزرگ -- دعاوی
موضوع	: تنب کوچک -- دعاوی
موضوع	: ابوموسی -- دعاوی
موضوع	: ایران -- دعاوی علیه امارات متحده عربی
موضوع	: امارات متحده عربی -- دعاوی علیه ایران
شناسه افزوده	: مطلبی، مسعود، ۱۳۵۰ - مقدمه: نویس
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ج ۹ پ/DSR2143
رده بندی دیسی	: ۹۵۵/۷۳۵۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۱۴۳۴۷



جزایر سه گانه از منظر تاریخی و حقوق بین الملل

ناشر: انتشارات خبرگزاری فارس

نویسنده: روح الله پورطالب

ویراستار: فتنه نادری

صفحه آرائی: علیرضا جماعت لو

طرح جلد: محمد جواد مرآت

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۸۰۰ تومان

چاپ و صحافی: پیام اوران نشر روز

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۲

تلفن: ۸۸۹۱۳۲۷۷-۰۲۱، شماره: ۸۸۹۱۳۲۷۸

وب سایت انتشارات: www.farsnews.ir

ایمیل: publications@farsnews.ir

آدرس: تهران، میلان فردوسی، بن بست شاهرود پلاک ۳

معاونت آموزش و پژوهش

کلیه حقوق محفوظا است. هرگونه نسخه برداری اعم از زیراکس، بازنویسی، ذخیره کامپیوتری و اقتباس کلی و جزئی بدون مجوز کتبی ناشر

و مولف ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

صفحه

۷	مقدمه
۱۷	بخش اول: کلیات
۲۵	بخش دوم: ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس و بررسی نظریه قدرت دریایی
۲۵	مفهوم ژئوپلیتیک
۲۶	موقعیت ژئوپلیتیکی خلیج فارس
۲۹	نظریه قدرت دریایی
۳۳	بخش سوم: تاریخچه خلیج فارس
۳۵	پیش از اسلام:
۳۵	۱- عیلامیان
۳۵	۲- هخامنشیان
۳۶	۳- ساسانیان
۳۷	پس از اسلام
۳۸	دوران صفویه
۳۹	دوران افشاریه و زندیه
۴۳	بخش چهارم: نگاهی به جزایر سه گانه از منظر تاریخی
۴۴	پیش از اسلام
۴۶	پس از اسلام

۴۸	دلایل عدم پرداخت تاریخی مناسب به جزایر سه گانه
۴۹	اشغال غیرقانونی جزایر توسط بریتانیا و مستندات آن
۵۴	اسناد بریتانیا درباره تعلق جزایر تنب و ابوموسی به ایران
	بخش پنجم: بررسی حقوق بین الملل دریاها و اثبات مالکیت ایران از منظر حقوق
۶۱	بین الملل بر جزایر سه گانه
۶۲	حقوق دریاها
۶۲	مفهوم دریا در حقوق بین الملل
۶۳	اهمیت حقوق دریاها
۶۷	ادعای امارات متحده عربی در رابطه با جزایر سه گانه
۶۹	اثبات مالکیت ایران بر اساس حقوق بین الملل
۷۲	تأثیر و تأثر مالکیت ایران بر جزایر سه گانه
	بخش ششم: اعاده مالکیت ایران بر جزایر سه گانه و یادداشت تفاهم ۱۹۷۱: مواضع
۷۵	امارات متحده عربی
۷۵	تفاهم نامه ۱۹۷۱
۷۶	متن یادداشت تفاهم نامه ۱۹۷۱
۷۸	جدال امارات متحده عربی با یادداشت تفاهم ۱۹۷۱
۸۷	بخش هفتم: نتیجه گیری، پیشنهادات و ارائه راهکار
۸۷	خلاصه و نتیجه گیری
۹۰	راهکارها و پیشنهادات
۹۵	فهرست منابع

مقدمه

چرا سه جزیره ایرانی تب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی برای دولت جمهوری اسلامی ایران اهمیت دارند؟ این پرسشی است که روح الله پورطالب نویسنده کتاب حاضر تلاش دارد با استناد به حقوق بین‌الملل و جغرافیایی سیاسی و تاریخی به آن پاسخ دهد.

بررسی موقعیت و اهمیت جزایر سه گانه را، به هیچ وجه نمی‌توان از موقعیت و اهمیت خلیج فارس جدا در نظر گرفت. اصولاً جایگاه و موقعیت این جزایر تنها در قالب و محیط کلی خلیج فارس است که معنا می‌یابد. بر همین اساس، می‌توان بسیاری از ویژگی‌ها و مشخصات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خلیج فارس را به این جزایر نیز محمیم داد.

خلیج فارس محل اتصال سه قاره اروپا، آفریقا و آسیا می‌باشد که در ورای آن، سه سرزمین ایران، هند و چین قرار گرفته‌اند، هرچند در گذشته این آبراه بیشتر از حیث ارتباطات و راه‌های مواصلاتی دارای ارزش و اعتبار بود، اما در سال‌های بعد، به ویژه پس از کشف نفت و گاز در این منطقه، اهمیت آن ابعاد جدیدتری به خود گرفت. پس از جنگ جهانی دوم

و ظهور جهان دو قطبی که یک قطب آن بسیار نزدیک به این خلیج بود، بر اهمیت آن - به ویژه در نگاه قطب رقیب - افزوده شد. همان گونه که ذکر شد می توان مهم ترین نکته در بررسی اهمیت خلیج فارس را همان وجود ذخایر عظیم نفت و گاز دانست.

به واقع بیشتر موارد اهمیت بخشی به خلیج فارس در رابطه با همین ذخایر تعریف می شود. خلیج فارس حدود ۶۵ درصد از کل ذخایر شناخته شده نفت جهان را در اختیار دارد. همچنین ۳۰ درصد مجموع ذخایر گاز طبیعی جهان نیز در این منطقه واقع است. جالب آن که بیشتر این ذخایر نه در خشکی بلکه در بستر خلیج فارس قرار دارد. به دلیل وجود ذخایر عظیم انرژی در خلیج فارس آن را انبار نفت جهان می نامند و دقیقاً به همین دلیل است که خلیج فارس نقش بسیار تعیین کننده ای در اقتصاد جهان و به ویژه کشورهای صنعتی به خود گرفته است؛ چراکه بی هیچ تردیدی اقتصاد و صنعت کل جهان - به ویژه کشورهای پیشرفته - شدیداً وابسته به منابع انرژی و از همه مهم تر نفت است. یکی دیگر از دلایل اهمیت خلیج فارس را باید در وجود یک بازار کالا و تجهیزات نظامی بزرگ در این منطقه جست و جو کرد.

کشورهای حاشیه خلیج فارس با چیزی بیش از یکصد میلیون نفر جمعیت و درآمد سرشار نفتی، یکی از مهم ترین بازارهای خرید کالا و تجهیزات نظامی محسوب می شوند، هرچند موضوع تنگه هرمز بارها و بارها در بحث اهمیت خلیج فارس مورد بحث قرار گرفته است، اما با این وجود نمی توان از کنار آن به سادگی گذشت.

در واقع خلیج فارس دریای نیمه بسته ای است که کلید آن تنگه هرمز است. آلبو کرک، دریادار و کاشف معروف پرتغالی در اقیانوس هند، معتقد

بود که هر دولتی سه تنگه باب المنذب، هرمز و مالاکا را در اختیار داشته باشد، در حقیقت بر جهان مسلط خواهد بود. در سطور پیشین به طور اختصار در مورد اهمیت اقتصادی خلیج فارس سخن گفتیم. پر واضح است که تنگه هرمز اصلی ترین و عمده ترین راه ارتباطی کشورهای نفت خیز حاشیه خلیج فارس با جهان خارج می باشد. تقریباً تمام کشورهای خلیج فارس به لحاظ صادرات نفت و واردات کالاهای اساسی وابسته به تنگه هرمز هستند.

از سایر کشورهای منطقه که بگذریم، خلیج فارس و تنگه هرمز برای ایران نیز از اهمیت خاصی برخوردارند، هر چند تا پیش از کشف نفت در جنوب ایران در اوایل قرن بیستم دولت ایران توجه چندانی به خلیج فارس نداشت، اما پس از آن و به تدریج با افزایش صادرات نفت و وابستگی کشور به درآمدهای حاصله از آن، این منطقه در نگاه حاکمان ایران ارزش و مقام خاصی یافت.

به زبان ساده تر می توان گفت در حال حاضر بیشتر شئون سیاسی و به ویژه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با خلیج فارس و تنگه هرمز گره خورده است. در مقایسه با سایر کشورهای منطقه نیز به روشنی این نکته استنباط می شود که ایران نسبت به این کشورها از موقعیت ژئوپلیتیکی حساس تری برخوردار است. از لحاظ نظامی و جمعیتی نیز ایران نسبت به دیگر کشورهای منطقه، جایگاه بالاتری دارد؛ چنانکه به تنهایی شصت درصد کل جمعیت منطقه را در خود جای داده است.

بی تردید ایران در طول تاریخ، از لحاظ نظامی قوی ترین کشور منطقه بوده است. همچنین ایران با داشتن ۱۳۷۵ کیلومتر خط ساحلی، از بندرعباس تا شبه جزیره فاو، به تنهایی ۵۶/۵ درصد کل سواحل خلیج فارس را در اختیار

دارد. علاوه بر موارد فوق، بزرگ‌ترین حوزه‌های نفت و گاز منطقه، یعنی حدود ۱۶/۵ درصد ذخایر نفت و ۴۵/۵ درصد ذخایر گاز طبیعی منطقه متعلق به ایران است.

جالب آن‌که قسمت اعظم ذخایر نفتی و گازی ایران در خلیج فارس واقع شده و از آن مهم‌تر اینکه تقریباً تمام نفت ایران، از طریق خلیج فارس و تنگه هرمز به خارج صادر می‌شود. ایران برخلاف بسیاری کشورهای منطقه، از خط لوله انتقال نفت به خارج برخوردار نیست و از این لحاظ به شدت به تنگه هرمز وابستگی دارد، همچنین حدود هشتاد درصد تجارت خارجی ایران از طریق خلیج فارس انجام می‌پذیرد که شامل هر دو بخش واردات و صادرات است. با این توضیحات در خصوص جایگاه و اهمیت خلیج فارس، به راحتی می‌توان وارد بحث اهمیت جزایر سه‌گانه ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک برای کشورمان شد.

به لحاظ تاریخی نیز حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک ریشه در دورهٔ امپراتوری‌های عیلامی، ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی دارد. در این دوران نظم و امنیت ایرانی (persianpax) بر سراسر این پهنهٔ آبی خلیج فارس و جزایر آن حکم‌فرما بود. شواهد حاکمیت ایران بر این جزایر، در اسناد رسمی، اسناد تاریخی، کتابچه‌های راهنمای دریانوردان، سالنامه‌ها، شرح وقایع روزانه (گازتبه‌ها)، نقشه‌های سیاسی و کارتوگرافیک، گزارش‌های اداری و یادداشت‌های رسمی وزارت خارجه انگلیس و اداره امور هندوستان در بریتانیا، در خلال قرون ۱۷ و ۱۸ و قسمت اعظم قرن ۱۹ مشاهده می‌شود. به خصوص جالب توجه است که در نقشه تهیه شده توسط دفتر امور جنگ در سال ۱۸۸۷، این جزایر به رنگ قلمرو اصلی ایران مشخص گردیده و نیز در نقشه لرد

کروزن از ایران، مورخ ۱۸۹۲ و نقشه اداره مساحی هندوستان، مورخ ۱۸۹۷ و کتابچه‌های راهنمای دریانوردی در خلیج فارس چاپ ۱۸۶۴ و گزارش‌های اداری دولت انگلستان، در سال‌های ۷۶-۱۸۷۵ م، به عنوان قلمرو ایران درج شده‌اند. بنابراین جزایر تنب و ابوموسی در حاکمیت ایران است. در قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی، این جزایر به صورت مستقیم تحت صلاحیت و اداره ولایت لنگه بوده‌اند که خود یک بخش اداری از استان فارس بوده است.

به دنبال حضور استعمارگران در منطقه خلیج فارس، جزایر سه گانه در سال ۱۹۰۸ به طور کامل تحت اشغال بریتانیا به عنوان قیم رسمی امارات متصل‌الحه در آمد اما تا سال ۱۹۷۱ هیچ یک از دولت‌های وقت ایران این اشغال را قبول نداشته و ابوموسی به همراه تنب بزرگ و کوچک در تقسیمات کشوری ایران قرار داشتند.

در سال ۱۹۰۳ دولت‌های هند و بریتانیا، شیوخ شارجه را که آن هنگام از داشتن سرزمین بی‌بهره بود، وادار کردند که پرچم قبیله‌ای خود را در جزیره‌ها به اهتزاز در آورند. ایران اعتراض به این اقدام را تقریباً بلافاصله آغاز کرد تا سال ۱۹۷۰ که اعتراض‌های موثر ایران سرانجام بریتانیای کبیر را وادار ساخت تا از راه مذاکره این مساله را حل کند. مذاکراتی که توسط «سر ویلیام لوس» با ایران پیگیری شد، ماه‌ها ادامه یافت تا سرانجام به این نتیجه رسید که دو جزیره تنب به ایران بازپس داده شوند. در مورد ابوموسی، اعمال حاکمیت مشترک ایرانی - شارجه‌ای در نظر گرفته شود. این توافق براساس تفاهم‌نامه ۲۷ نوامبر ۱۹۷۱ که از سوی ایران و شارجه، تحت سرپرستی وزارت امور خارجه و مشترک‌المنافع پادشاهی متحده بریتانیا، امضا شد، شکل گرفت. بازگشت جزایر سه گانه به ایران

عمل می شود.

با توجه به این قانون، تمامی آب های بین جزایر قشم، لارک، هرمز، هنگام و لاوان، با بدنه کشور یکی شده و از آب های داخلی محسوب می شوند و این موضوع در اسناد سازمان ملل ضبط گردیده است. بنابراین اگر از آخرین حد جزر از جزیره قشم، عرض دریای سرزمینی را تا ۱۲ مایل (۲۲/۵ کیلومتر) ادامه دهیم و از طرف تنب بزرگ هم به طرف قشم ۱۲ مایل ادامه دهیم، متوجه خواهیم شد که در واقع فاصله این دو جزیره کمتر از ۲۴ مایل (یعنی ۲*۱۲ مایل) است، همین امر هم در مورد تنب کوچک و ابوموسی صادق است. با توجه به این موضوع، دریای سرزمینی ایران به صورت یکپارچه تا ۱۲ مایلی جنوب جزیره ابوموسی ادامه دارد. از سوی دیگر، فاصله شارجه تا ابوموسی ۶۴ کیلومتر، یعنی بیش از دو برابر عرض دریای سرزمینی بوده که بیش از ۲۴ مایل است در صورتی که در کنوانسیون حقوق دریاها، منطقه دریای سرزمینی و منطقه نظارت، روی هم رفته می توانند، ۲۴ مایل دریایی (۴۴/۵ کیلومتر) پهنا داشته باشد. بنابراین اگر از ابوموسی ۱۲ مایل به طرف شارجه ادامه دهیم و همچنین از طرف شارجه به طرف ابوموسی هم ۱۲ مایل ادامه دهیم این دو خط بر هم منطبق نمی شوند و قانون حاکم است.

بنابراین بین این دو جزیره، آب های آزاد وجود دارد و کشتی ها حق عبور بی ضرر دارند. در صورتی که اگر فاصله میان جزیره ساحلی و خط مبدا دو برابر عرض دریای سرزمینی ادعایی، یا کمتر از آن باشد، آب آزاد وجود نخواهد داشت. پس بین جزیره ابوموسی و شارجه، چون بیش از ۲۴ مایل است، آب آزاد وجود ندارد، چون کمتر از ۱۲ مایل است. بنابراین ادعای

امارات از نظر حقوقی و تاریخی بی‌مورد است.

در مجموع سه جزیره مورد بحث، برای دفاع از امنیت ملی ایران و حفاظت از تنگه هرمز اهمیتی انکارناپذیر دارند. اما آنچه توجه بیش از پیش کارشناسان، دست‌اندرکاران و مسئولان میهن‌دوست ایران اسلامی را می‌طلبد، تأکید بر پیشینه حاکمیت ملی ایران بر خلیج فارس، جزایر و سواحل آن است که می‌تواند، به‌عنوان دست‌مایه‌ای مهم، برای اثبات حقانیت حاکمیت ایران بر این جزایر باشد.

در این راستا روح‌الله پورطالب پژوهشگر ارشد و پر تلاش مطالعات منطقه‌ای کشورمان تلاش کرده است در کتاب حاضر - که از ویژگی‌های ممتازی چون جامعیت تاریخی، حقوقی و به‌روز بودن برخوردار است - ضمن اثبات حقانیت تاریخی ایران بر این جزایر، ادعاهای مضحک شیخ‌نشین کوچک امارات را با استنادات تاریخی و حقوقی بررسی و رد نماید. خواندن این کتاب نه تنها به دانشجویان و استادان علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل، بلکه به تمامی دوستداران ایران اسلامی سفارش می‌شود.

محمود مطلبی

اسفند ۱۳۹۱